

واکاوی سبک زندگی علمی حضرت زینب (س) با رویکردی به قرآن و

حدیث

سهراب مروّتی*

دانشیار دانشگاه ایلام، ایلام

زهرا منصورزاده**

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام، ایلام

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۰۹)

چکیده

آیات تطهیر، مباحله، مودت، تبلیغ و... به نوعی جلوه‌گر تقدیر خداوند از اهل بیت (ع) است. زندگی علمی حضرت زینب (س) زاویه‌ای است که نیاز به واکاوی و تحلیل دقیق‌تری دارد؛ زیرا درباره این خاندان گفته شده: «إِنَّ هَؤُلَاءِ وَرَتُّوا الْعِلْمَ وَالْفَصَاحَةَ زُقُوا الْعِلْمَ زُقًا». حضرت زینب (س) علاوه بر علم لسانی، تمام شرایط یک راوی موثق را در حد کمال داراست. بدین لحاظ، به او (س) عالمه گفته‌اند. همچنین علم پیشگویی حوادث را نیز دارا می‌باشد، چنان‌که کیفیت شهادت خود را پیشگویی کرد. صفت دیگر ایشان (ع) عقیده است که ابن عباس به او داده است. همچنین مفسّری بی‌بدلیل است؛ زیرا خطبه‌های آن حضرت (س) آکنده از آیات قرآنی است.

واژگان کلیدی: زندگی علمی، حضرت زینب (س)، قرآن، حدیث، سبک زندگی.

* E-mail: sohrab_morovati@yahoo.com

** E-mail: mansurzade_z@yahoo.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

جایگاه اهل بیت (ع) در قرآن با آیاتی که در شأن این خانواده نازل شده، به خوبی نمایان است. از جمله این آیات می‌توان آیه تطهیر، آیه مباحله، آیه مودت، سوره هل ائی، آیه تبلیغ و آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...» را نام برد که همه به نوعی تجلی‌گر تقدیر خداوند از آنهاست و در تجلیل از مقامات علمی ایشان سخنانی آمده که جایگاه والای علمی ایشان را اثبات می‌کند. از این خاندان مقدّس، شخصیتی ممتاز و فرهیخته ظهور می‌کند که درباره حیات درخشان این بانو تاکنون ده‌ها کتاب و مقاله نگارش یافته است و تاریخ‌نگاران شیعه و سنی از دیدگاه خویش به زندگانی و قهرمانی این بانوی بزرگ نگریسته و آن را مورد تحلیل و تجلیل قرار داده‌اند. اما در بررسی زندگی ایشان اغلب به نقش آفرینی بی‌بدیل او در کربلا پرداخته شده است و در توجّه به سایر ابعاد شخصیتی او مانند «زندگی علمی این بانوی فرهیخته» به اشاراتی گذرا بسنده شده است و سبک زندگی علمی ایشان زاویه‌ای بود که نیاز به واکاوی و تحلیل دقیق‌تری داشت. زینب کبری(س)، عقیده بنی‌هاشم، سومین فرزند حضرت امیرالمؤمنین، علی بن ابی‌طالب و حضرت فاطمه زهرا، علیهما السلام، است که در روز پنجم جمادی‌الأول سال پنجم یا ششم هجری، در مدینه طیبه دیده به جهان گشود و پیامبر خدا (ص) نام «زینب» را برای وی برگزید که این نام به وسیله جبرئیل از طرف خداوند به او عرضه شد (ر.ک؛ صفری، بی‌تا، ج ۲: ۱ و غروی، ۱۳۷۵: ۱۹۳). اگرچه آن حضرت مدت بسیار کمی سعادت همنشینی با جدّ بزرگوار و مادر ارجمندش را داشت، اما شکل‌گیری شخصیت او از همان زمان آغاز شد و از انوار تابناک آن دو معصوم، درس‌هایی کسب کرد و در موقعیت‌های مختلف خصوصاً در مکتب کربلا آنها را پیاده ساخت. او وارث خاندانی بود که یزید، سرسخت‌ترین و پست‌ترین دشمن اهل بیت (علیهم‌السلام)، درباره آنها می‌گفت: «إِنَّ هَؤُلَاءِ وَرَثُوا الْعِلْمَ وَالْفَصَاحَةَ وَ زُقُوا الْعِلْمَ زُقَاءً» (مقرّم، بی‌تا: ۳۷۱ و حاج حسن، بی‌تا: ۱۴۱). در برخی از روایات، «زُقُوا الْعِلْمَ زُقَاءً» (امین، بی‌تا: ۱۷۹ و قرشی، بی‌تا: ۱۳۲). اینان خاندانی هستند که فصاحت و دانش را (از پیامبر (ص)) به ارث برده‌اند و آن را همراه شیرخوارگی از پستان مادر می‌مکنند. از میان بانوان فرهیخته اهل بیت (ع) حضرت زینب (س) را انتخاب کردیم و به بررسی سیره علمی ایشان پرداختیم، چراکه ایشان همچون مادر بزرگوار خود، حضرت زهرا (س)، بانوی فرهیخته‌ای بود که جامعه عرصه را بر او و خاندانش بسی تنگ نمود و متقابلاً ایشان همچون مادر خود با علم و درایت خود، به نقش آفرینی و ایفای نقشی ماندگار در عالم هستی پرداختند.

حضرت زینب (س) هفت معصوم را درک کرده بود و کلام و کردار آنها در او متجلی شده بود. کلام یک معصوم دارای ویژگی‌هایی است که با کلام یک فرد معمولی (ولو آن فرد به نسبت افراد دیگر، فردی متعالی محسوب شود)، بسیار متفاوت است. برخی ویژگی‌های کلامی آنها را می‌توان شکر نعمت در ابتدای کلام، شهادت به توحید الهی، تذکر برخی از تکالیف، از جمله امر به معروف و نهی از منکر، حلال و حرام و... تبعیت از امام بر حق، موقعیت‌شناسی: راحت، بیان فلسفه برخی احکام، افشاگری ظالمان، مناعت و مظلومیت برشمرد که برخی علل این ویژگی‌ها را می‌توان عصمت الهی، علم لدنی، وراثت، تعالی روح و فکر، پشتیبانی الهی و... دانست.

این مقاله بر آن است تا با تکیه به قرآینی در زندگی ایشان، مقام و جایگاه علمی حضرت را واکاوی کند که توصیف حضرت به «عالمه غیر معلّمه و فهمة غیر مفهمه» از جانب امام معصوم، حضرت زین العابدین (ع)، بر چه اساسی بود؟ چرا امام حسین (ع) اسرار امامت و نیابت ولایت معصوم را به ایشان واگذار فرمود؟ آیا حضرت زینب (س) از علم لدنی که خاصّ انبیاء و امامان معصوم است، بهره‌مند بود؟ جایگاه علمی و آموزشی ایشان در جامعه چگونه بود؟ و نیز چرا دشمن در توصیف زینب و خاندانش، به علم آنها تکیه می‌کند؟

جایگاه علمی حضرت زینب (س)

برای حضرت زینب (س) القاب علمی گوناگونی ذکر نموده‌اند که عبارتند از: «عالمه غیر معلّمه: دانای نیاموخته»، «فهمة غیر مفهمه: فهمیده بی‌آموزگار»، «نائبه الزهراء: جانشین حضرت زهرا، سلام‌الله علیها»، «عقیلة النساء: خردمند بانوان»، «سيدة العقائل: بانوی بانوان خردمند»، «سلالة الولاية: فشرده، خلاصه و چکیده ولایت»، «وليدة الفصاحة: زاده شیواسخنی»، «عقیلة خدر الرسالة: خردمند پرده‌نشینان رسالت»، «بلیغة: سخنور رسا»، «فصیحة: سخنور»، «صدیقة الصغری: راستگوی کوچک (در مقابل صدیقه کبری سلام‌الله علیها)»، «المؤتقة: بانوی مورد اطمینان»، «عقیلة الطالبین: بانوی خردمند از خاندان حضرت ابوطالب (و در بین طالبیان)»، «الفاضلة: بانوی بافضیلت»، «الکاملة: بانوی تام و کامل»، «عقلیة الوحی: بانوی خردمند وحی»، «عقیلة النبوة: بانوی خردمند پیامبری»، «ربیعة الفضل: پیش‌زاده فضیلت و برتری»، «عقلیة القریش: بانوی خردمند قریش»،

«سلیلة الزّهراء: چکیده و خلاصه حضرت زهرا، سلام الله علیها»، «آیة من آیات الله: نشانی از نشانه‌های خداوند» (ر.ک؛ رسولی، بی تا: ۱۳؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۱: ۹۴۸ و اصفهانی، بی تا: ۱۳۷). این جستار بر آن است تا با تکیه بر پنج ویژگی علمی ایشان (عالمه، معلّمه، عقيله، محدّثه، مفسّره) که در میان این القاب جامع تر است و نمود آنها در زندگی ایشان بیشتر، به بررسی مقام و جایگاه علمی آن حضرت پردازد.

الف) عالمه

علم و دانش شریف ترین حالات ارج آفرین انسان می باشد، چراکه اگر جز علم ملاک دیگری معیار برتری انسان بود، خداوند بلافاصله پس از گفتار درباره آفرینش عالم و آدم از این حالات و ملاکها سخن به میان می آورد، آنجا که در مقام علم می فرماید: ﴿عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾: و به انسان آنچه را نمی دانست یاد داد ﴿العلق/۵﴾ و در مقام علماء نیز می فرماید: ﴿...يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ...﴾... خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده، درجات عظیمی می بخشد... ﴿المجادله/۱۱﴾. از نظر علامه، مؤمنین در این آیه به دو دسته عالم و غیرعالم تقسیم می شوند و در مقابل هر یک درجه ای که به مؤمنان داده می شود، درجاتی به مؤمنان صاحب علم عنایت می کند (ر.ک؛ موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۳۷۹). در تفاسیر روایی غالباً مصداق علما را اهل بیت پیامبر(ص) دانسته اند که از جانب خدای متعال به آنان علومی افاضه شده است و اینک در دو عنوان، به بررسی علومی می پردازیم که خداوند به عالمه آل علی(ع) عنایت فرموده است:

۱) علم لدنی

علمی که در ذات شخص آفریده شده است و او از کسی فرا نگرفته (رهبری، ۱۳۹۰: ۲۴۴)، علم حقیقت و علم عارفان و صدیقان است (ر.ک؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۳۴۱). لذا علم لدنی برتر از علم اکتسابی است، چون از طرف خداوند به صورت مستقیم به برخی انسانها داده می شود که شرایط آن را طبق آیه ﴿...وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ...﴾ (البقره/۲۸۲) تقوا، تزکیه و تهذیب نفس است تا افاضات الهی حاصل شود. همچنین است آیه ﴿...وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا﴾: و از نزد خود به او (خضر) علم آموختیم ﴿(الکف/ ۶۵)﴾ که حاکی از افاضه بی واسطه اینگونه علوم است. لذا علم خاتم الانبیاء و

خاندانش، از جمله زینب کبری (س) از جنس همان علمی است که به حضرت خضر (ع) افزوده شد و کلام معصوم، حضرت امام سجّاد (ع) سند و مؤید این امر است: «عَمَّتِي أَنْتَ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرَ مَعْلَمَةٍ وَ فَهْمَةٌ غَيْرَ مَفْهَمَةٍ: عمّه جان! تو عالمه‌ای هستی بدون اینکه معلّم داشته باشی و فهمیده‌ای هستی بی آنکه کسی مطالب را به تو فهمانده باشد» (حسّون، ۱۳۷۹: ۴۳۷؛ رسولی، بی‌تا: ۱۵ و مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۶۴). امام حسن، علیه‌السلام، هم خواهر خود را چنین خطاب فرموده است: «خواهرم! حقّاً که تو از درخت نبوّت و معدن رسالت هستی» (محمّدی اشتهاردی، ۱۳۷۹: ۷۴). لذا به استناد این سخنان و اوصاف علمی حضرت، می‌توان ایشان را بارزترین مصداق برای آیات و احادیثی دانست که در شأن علما بیان شده‌اند.

پیامبر (ص) فرمودند: «عالمان وارثان پیغمبرانند» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷: ۷۹؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷: ۲۹۹ و قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۳۴۴). زینب (س) وارث علم و حکمت نبوی و فصاحت علوی بود (همانگونه که قبلاً در ویژگی‌های کلامی اهل بیت (ع) ذکر شد)، آنان فلسفه احکام را می‌دانستند و کلام آنان سرشار از حکمت بود که بعضاً آنها را برای افراد تبیین می‌کردند. گاهی از علم به حکمت تعبیر می‌شود؛ مانند آیه ﴿...وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا...﴾ و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است... ﴿(البقره/۲۶۹). خداوند از علم به حکمت تعبیر فرموده است (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۴۷ و طوسی، بی‌تا، ج ۲: ۳۴۹) و حکمت را سرشار از عظمت و خیر و برکت معرفی نموده است؛ زیرا که عالم و دانشمند، استوارتر از جاهل می‌اندیشد و گفتار و رفتار او با متانت و استحکام توأم است. در حدیث دیگری از نخستین عالم و معلّم، پیامبر اکرم (ص)، در تکریم مقام علما آمده است: «نزدیکترین مردم به مقام و مرتبت نبوّت، دانشمندان و مجاهدان راه حق هستند» (حسینی علوی، بی‌تا: ۴۶؛ حکیم، بی‌تا: ۷؛ آملی، ۱۳۸۱: ۱۲ و عاملی، ۱۴۰۹ق: ۸۵). حال آنکه زینب کبری (س) هم سلاله نبوّت بود و هم در سخن معصوم به اهل علم بودن (عالمه غیر معلّمه) و فرهیختگی ستوده شده است. به علاوه، ایشان در زمره مجاهدان مذکور در حدیث شریف نبوی هم قرار می‌گیرند؛ زیرا با جان و مال و فرزندانش در راه خدا به دفاع از ولایت پرداخت. در تأیید قرآنی، جایگاه والای ایشان در امر جهاد آیه زیر مورد استناد است: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ...﴾ آنها که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد نمودند، مقام ایشان نزد خدا برتر است... ﴿(التّوبه/۲۰). جهاد، به کار بستن نهایت درجه قدرت و طاقت است (ر.ک؛

موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۱۵۲). معمولاً اولین معنایی که از جهاد در ذهن متبادر می‌شود، مبارزه در میادین جنگ است، اما این یکی از جنبه‌های جهاد است و گاهی جهاد به‌گونه‌ای است که نیازی به کشیدن شمشیر و جنگیدن نیست.

با توجه به اینکه حضور زنان مسلمان هنگام جنگ و در صحنه‌های جهادی شکلی متفاوت و در خور شأن یک زن دارد، اُسوه‌های جهادی زنان در صدر اسلام، همچون حضرت زهرا (س) در دفاع از ولایت و پاسداری از سنت‌های راستین نبوی در مقابل بدعت‌ها و انحراف‌ها از طریق احتجاج و خطبه‌های کوبنده و نهایتاً اظهار نارضایتی و بی‌زاری (از برخی افراد) در راستای تحقق اهداف راستین دین خود مبارزه نمودند. زینب کبری(س) هم به تبع از مادر خود به ادامهٔ مبارزه و جهاد در این راه پرداختند.

علامه اَسد حیدر ویژگی جهادی زینب کبری (س) را اینگونه بیان می‌کند: «زینب دختر علی (علیهماالسلام) با ثبات قلب در میدان جهاد ظهور می‌کند... او نقش جهادی خود را قهرمانانه ایفا نمود... او برای رضای خدا و جهاد در راه او، مصایب و سختی‌ها را تحمل کرد» (بحرانی اصفهانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱: ۹۵۱). همچنین آیت‌الله سید ابوالقاسم خوئی (ره) جهاد حضرت را اینگونه وصف می‌کند: «به درستی که او شریک برادرش، حسین(ع)، در دفاع از اسلام و جهاد در راه خداست...» (خوبی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۴: ۲۱۹). تجسّم جهاد در سیره‌های زینبی، به استناد تاریخ و روایات ترک مال و رفاه در زندگی، تقدیم فرزندان، ولایت‌مداری و ... است که او را همسنگر حسین (ع) و شریک او در راه عقیده و جهاد او کرده بود. لذا شکل مبارزات جهادی زنان اهل بیت (ع) به‌گونه‌ای بود که با عفت و شخصیت آنان هیچ‌گونه منافاتی نداشته است.

۲) علم بلایا و منایا

یعنی علم پیشگویی حوادث و خبر داشتن از وقایع آینده و تاریخ و کیفیت شهادت خود و دیگران (محدثی، بی‌تا: ۵). نظر به اینکه نایب امام معصوم باید فردی فقیه و خیره باشد، زینب عالمه (س) تنها زنی بود که در مقطعی از زمان نایب ولایت و مدافع به حق آن بود. ایشان همچون اصحاب خاصّ پیامبر (ص)، سلمان، ابوذر و برخی از یاران حضرت علی (ع)، مانند میثم تمار و رشید هجری، علم آگاهی از حوادث آینده (علم بلایا و منایا) را داشت که آن را از پدر بزرگوار خود فراگرفته بود (مامقانی، بی‌تا، ج ۱: ۲۵۳ و محلاتی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۵۷). همچنین در دوران خلافت

امام علی (ع) ایشان در متن جریان‌های سیاسی و اجتماعی جامعه قرار داشت (بشیری، ۱۳۸۵: ۳۹) و پس از شهادت مادر، جانشین و حامل رسالت وی شدند. او شاهد خیانت معاویه به امام حسن (ع) و خیانت دنیاپرستان به ایشان بود. پس از حسین (ع) هم پرچمدار مرجعیت امت اسلام شد و باید امام و امامت را از گزند این فاجعه حفظ می‌کرد.

زینب (س) از جانب امام حسین (ع) نیابت خاص داشت و مردم در احکام حلال و حرام به او مراجعه می‌کردند. این وصایت تا بهبودی امام زین‌العابدین (ع) از بیماری ادامه داشت (میانجی، ۱۳۸۴: ۵). در اثبات‌الوصیه آمده که حسین (ع) به خواهرش زینب وصیت کرد و در زمان امام چهارم (ع)، علوم آل محمد (ص) برای پرده‌پوشی بر امام چهارم و حفظ جان او از زبان زینب (س)، دختر علی، نشر می‌شد (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۷۲؛ قمی، بی‌تا، ج ۱: ۳۱۶ و بهشتی، ۱۳۶۸: ۵۱). این شواهد حاکی از جایگاه و ظرفیت علمی ایشان در دریافت علوم شریعت، نشر و پاسداری از آنهاست.

مرجعیت فکری و فتاوی حضرت زینب (س) در برطرف کردن نیازهای شرعی و علمی مردم آنقدر مورد توجه مردم قرار گرفته بود که از این محبوبیت تهدیدی جدی احساس شده بود و عمرو بن سعید (فرماندار مدینه) آن حضرت را تبعید کرد (القطیفی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۴۶۶؛ شهرستانی، ۱۴۱۶ق، ج ۶: ۱؛ حسنی، بی‌تا: ۱۶؛ محسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۷۱ و عباسی غریب، ۱۳۷۲: ۱۵۴). او در نامه خود به یزید، خطر وجود حضرت را اینگونه گزارش داد: «همانا وجود زینب میان اهل مدینه محرک افکار است و او زنی با فصاحت، خردمند و تیزهوش است. او و همراهانش برای خونخواهی حسین تصمیم به شورش دارند» (شهرستانی، ۱۴۱۶: ۷). شکوه علمی حضرت کمر دشمن را به لرزه درآورده بود و از آن احساس خطر می‌کرد. ایشان همانند مادرش، فاطمه (س)، جز در ضرورت از خانه خارج نمی‌شد، اما دورادور چشم بیدار جامعه خویش بود و تأثیر عمیق سخنانش را از رسوایی دستگاه اموی، پشیمانی مردم، حتی یزید و حرکات شورشی علیه امویان را می‌توان دریافت.

نمونه دیگر نبوغ آن عالمه، جمله‌ای است که در پاسخ ابن‌زیاد فرمودند. زمانی آن حقیر به حضرت (س) گفت: «کار خدا را با برادر و خاندانت چگونه دیدی؟!» فرمود: «چیزی جز زیبایی ندیدم» (حسینی موسوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۳۶۳ و جزایری، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ۲۴۳). این جمله را سالیان است که اهل علم و ادب در تفسیر و تحقیق آن می‌کوشند که افق نگاه حضرت در چه حد بود که از آن قتل‌گاه خونین زیباییش را درک کرد؟! این بصیرت در برداشت از حوادث، تجلی تحقق وعده‌ای است که خداوند در کلام خود داده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ

فُرْقَاناً... ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد... ﴿(الأنفال/۲۹). چنین برداشتی از این فاجعه دلخراش آن هم از طرف یک زن که وجودی لطیف و سرشار از مهر و عطوفت دارد، واکنشی شگفت و تأمل‌برانگیز است. بر این اساس، در واکاوی اینگونه رفتارها در سیره ایشان می‌توان به زیرمجموعه‌ای از آگاهی رسید؛ دانشی خاص برای انبیاء، ائمه اطهار و اولیاءالله است که آن بانوی خردمند و عالمه هم از آن بهره‌مند بود.

ب) عقيله

لقب عقيله بنی‌هاشم را صاحب‌نام‌ترین راویان صدر اسلام، ابن‌عبّاس به او داد (بحرانی اصفهانی، بی‌تا: ۱۹۵). بنی‌هاشم در میان اقوام، برجسته و دارای مقامی والا بودند و از حضرت زینب(س) احادیثی را نقل می‌کردند؛ از جمله ابن‌عبّاس، دانش‌آموخته مکتب علوی که به القاب علمی بسیار والا همچون حبر الأئمة، ترجمان القرآن، شیخ‌المفسرین و... ملقب بود، از ایشان حدیث نقل می‌کرد. حضرت خطبه فدکیه را برای ابن‌عبّاس نقل فرمود. پس ابن‌عبّاس در مقام ایشان گفت: «حدّثتنا عقيلتنا: بانوی خردمند ما گفت...» (شريف القرشي، بی‌تا: ۶؛ قزوینی، ۱۴۰۹ق: ۲ و بهشتی ۱۳۶۸: ۵۱). عقيله یعنی بانوی گرامی و مخدّره (ر.ک؛ مصطفی، بی‌تا، ج ۲: ۶۱۷). از این رو، فرزندان آن حضرت را بنی‌عقيله می‌گفتند (ر.ک؛ عزیزی، بی‌تا: ۸). نبوغ علمی آن بانو از کودکی شگفت‌آور بود، به‌ویژه در مسایل اعتقادی. روزی حضرت علی (ع) زینب (س) را بر زانوی خود نشاند و فرمود: به او فرمود: بگو یک. زینب هم گفت یک. پدر فرمود: بگو دو. زینب ساکت شد. علی (ع) به او فرمود: دخترم سخن بگو. زینب گفت: زبانی که به گفتن یک گردش کرده، چگونه دو بگوید؟! امام از پاسخ حکیمانه و عالمانه دخترش بسیار مسرور گشت و او را بوسید (ر.ک؛ حسینی علوی، بی‌تا: ۳؛ الحائری، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۳۲ و محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹: ۳۵). نیشابوری در رساله علویه خود آورده است که زینب (س) در فصاحت و بلاغت و نیز زهد و عبادت همچون پدرش علی مرتضی و مادرش زهرا، علیهماالسلام بود (بحرانی اصفهانی، ۱۴۰۹، ج ۱۱: ۹۵۱).

اما مدیریت بحران کربلا، از جانب امام معصوم (علیه‌السلام) به حضرت زینب (س) واگذار شد. ایشان هم در اطاعت از امام خود فرمودند: «ای برادر! آسوده‌خاطر باش. مرا آنگونه که می‌پسندی، خواهی یافت» (نشریه الکفیل، ۱۴۳۴ق: ۷ و حسینی، بی‌تا: ۷). این پاسخ در واقع، اوج توانایی و کفایت ایشان برای اداره این جریان را می‌رساند. اساس مسئولیت او در دو محور قرار می‌گرفت: یکی

آغاز جنگی نرم علیه امویان، و دیگری حفاظت از حضرت سجاد (ع) و اسیران بود که سخنان آن حضرت موجب هجومی دیگر علیه آنان نشود. این مسئولیت بسیار سنگین تدبیری والا اقتضاء می‌کرد. همچنین نیاز اساسی در مدیریت این شکل از جنگ و جهاد، موقعیت‌شناسی بود که حضرت زینب (س) در آن شرایط گاه با کلام خود و گاه سوز دل و گریه‌هایش که پشیمانی و خجلت آنان را در پی داشت، به دفاع از ولایت برخاست.

زینب دست‌پرورده دامن مادرش، زهرا (س)، بود که خطبه طولانی او در مسجد مدینه، میزان علم آن حضرت در پاسخگویی به پرسش‌های زنان (ر.ک؛ موسوی الکعبی، بی‌تا: ۲۶ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳)، تبادل افکار با علی (ع) (ر.ک؛ سلمانپور، ۱۳۸۰: ۸۶) و از مصحف او (مصحف فاطمه) می‌توان جایگاه علمی او را در فضای متشخّج و بیمار آن جامعه دریافت. قبل از حادثه عاشورا در تاریخ برای حضرت زینب (س) هیچ سخنرانی در اجتماع مردان ثبت نشده است. اما شرایط اقتضا می‌کرد که به سخنرانی در جمع نامحرمات و دستگاه‌های فاسد اموی به افشاگری آنان بپردازد. حتی زمانی که امام سجاد(ع) می‌توانست به افشاگری خاندان اموی برخیزد، زینب (س) این مسئولیت را بر عهده گرفت، چراکه جان حضرت سجاد(ع) در خطر بود.

بشیر بن خزیمه اسدی نقل کرده که «فصیح‌تر از او ندیدم. گویی از زبان امیرالمؤمنین بود که سخن می‌گفت. پس اشاره کرد به مردم که ساکت شوند. پس نفس‌ها در سینه حبس شد. آنگاه خطبه بلیغ خود را بیان فرمود» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۹۲ و شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۰۷). نورالدین جزایری در *خصائص الزینبیه* در مورد حضرت چنین نوشته است: «منطق او همانند منطق پدرش است» (عزیزی، بی‌تا، ج ۲: ۱۶). علی (ع) در توصیف خود فرموده است: «همانا پروردگارم به من قلبی آگاه و دانا و زبانی سخنگو بخشده است» (آمدی، ۱۳۶۶: ۶۳ و سیوطی، ۱۳۷۱: ۱۴۲). لذا اخلاق زینبی خلقیات علوی و فاطمی را در علم، منطق، فصاحت، شجاعت و... را برای دیگران و دشمنان متجلی نمود، به گونه‌ای که یزید پس از عجز در برابر وی، او را «سجّاعه» خواند. این تعبیر نشان از عجز دشمن و مدعیان فصاحت در سخنوری در مقابل کلام غرّای ایشان دارد؛ کلامی که حق و حقیقت را درگوش یزیدیان فریاد می‌زد؛ کلامی که با کلام خداوند آمیخته شده بود و هزاران سؤال از یزید و مردم فریب‌خورده آن جامعه داشت.

ج) محدّثه

نام حضرت زینب(س) در کُتُبِ رجالِ شیعه (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق.، ج ۳: ۵۶۷؛ الموسوی الخویی، ۱۴۱۳ق.، ج ۲۴: ۱۳۵ و مامقانی، بی تا، ج ۱: ۲۷)، من لا یحضره الفقیه، وسائل الشّیعه (حرّ العاملی، ۱۴۰۹ق.، ج ۱: ۲۲) و بحارالأنوار و ... آمده است. در باب شخصیتِ روایی حضرت زینب(س) علمای بزرگی از جمله آیه الله خوئی، سید نورالدین جزایری، ابوالفرج اصفهانی و ... سخن گفته‌اند. او در خردسالی راوی خطبه مادرش بود و روایات او هیچ شبهه‌ای در اعتبار نداشت، چراکه او عالمه غیر معلّمه بود و تمام شرایط یک راوی موثق را در حدّ کمال، بلکه فراتر از آن در خود داشت.

حضرت زینب(س) را صحابه پیامبر دانسته‌اند. او از پدر، مادر و برادران بزرگوارش حسن و حسین (علیهم السلام)، امّ هانی، عبدالله بن جعفر (ر.ک؛ عزیزی، بی تا: ۱۲)، همسران پیامبر (ص) (ر.ک؛ ابن سعد، ۱۳۷۷، ج ۸: ۴۶۱)، امّ ایمن (ر.ک؛ ابن قولویه قمی، ۱۳۸۵: ۵۶۷) و أسماء بنت عمیس (ر.ک؛ رحمانی همدانی، ۱۳۷۸: ۷۹ و غروی، ۱۳۷۵: ۱۹۸) به نقل حدیث پرداخته است. همچنین از حضرت زینب(س) هم افرادی به نقل حدیث پرداخته‌اند که از جمله آنها می‌توان امام زین العابدین (ع) (ر.ک؛ صدوق، ۱۴۲۵ق.: ۵۶۷)، فاطمه بنت حسین بن علی بن ابی طالب (ع) (ر.ک؛ صادقی اردستانی، ۱۳۷۲: ۱۰۰ و بحرانی، ۱۴۰۹ق.، ج ۲۱: ۳۴۵)، عبدالله بن عباس (ر.ک؛ اصفهانی، ۱۳۸۰: ۹۱)، زید بن علی بن الحسین (مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۲۹: ۲۳۹)، احمد بن محمد بن جابر (ر.ک؛ صدوق، ۱۴۲۵ق.: ۳۲۰)، عطاء بن سائب، محمد بن عمرو، عباد عامری، جابر بن عبدالله انصاری را نام برد (ر.ک؛ غروی، ۱۳۷۵: ۱۹۸ و صادقی اردستانی، ۱۳۷۲: ۱۰۰). برخی از این احادیث، حدیث «الجارّ ثمّ الدار» (صادقی اردستانی، ۱۳۷۳: ۱)، نزول مائده بر مادرش حضرت زهرا (س) (ر.ک؛ ابن طاووس، ۱۳۹۹: ۴ و طوسی، ۱۴۱۴ق.: ۸۷۹)، حدیث امّ ایمن (ر.ک؛ صادقی اردستانی، ۱۳۷۳: ۱ و ابن قولویه قمی، ۱۳۸۵: ۵۶۶-۵۷۱)، حدیث فاطمات (بحرانی، ۱۴۰۹: ۳۴۵) و ... هستند.

ابن سعد در الطبقات الکبری، زینب(س) را جزء راویانی ذکر می‌کند که از همسران پیامبر و دیگران (و آنها از پیامبر (ص)) حدیث نقل کرده‌اند (ابن سعد، ۱۳۷۷، ج ۸: ۴۶۱). مرحوم طبرسی در اعلام الوری بر این قول تأکید می‌کند و می‌گوید: «او از مادرش فاطمه (س) حدیث نقل می‌کرده است» (طبرسی، بی تا: ۲۹۴). علامه مامقانی او را از «محدّثات» شمرده است و درباره آن غلیا مخدّره نوشته است: «صدوق او را در مشیخه نام برده است... و ابن اثیر در أسدالغابه او را از صحابه

دانسته است... زینب! زینب کیست؟! تو چه می‌دانی که زینب کیست؟ او عقیله بنی‌هاشم است که در صفات ستوده، برترین است و کسی جز مادرش بر او برتری ندارد تا جایی که اگر او را صدیقه صغری بخوانیم، حق گفته‌ایم» (عسقلانی، بی‌تا، ج ۳: ۵۰۰ و مامقانی، بی‌تا، ج ۳: ۷۹). ابن‌اثیر نام زینب (س) را در زمره اصحاب رسول خدا(ص) ذکر کرده است و درباره او می‌گوید: «زینب زنی عاقل، خردمند، و با منطق قوی بود... و سخن او با یزید در تاریخ مشهور و مذکور است و این سخنان دلیل بر عقل و قوت قلب اوست» (ابن‌اثیر جزری، بی‌تا، ج ۵: ۳۰۰).

بر این اساس، حضرت زینب را می‌توان یکی از ناقلان و حافظان میراث حدیثی شیعه دانست که اعتبار و سندیت روایاتی که ایشان در سلسله سند آنها قرار گرفته، محرز و مایه اطمینان محدثان و محققان حدیثی است؛ زیرا سخن صحابه به جهت تعلیم و تربیت یافتن او نزد پیامبر، اعتبار حدیثی مسند و منقول از پیامبر را دارد. جایگاه والای حدیثی و روایی ایشان نزد رجالیون آنگونه بود که به جز زنان اهل بیت(ع) به ندرت بانویی در چنین جایگاه حدیثی قرار می‌گیرد. شاهد ما در این باره کُتب رجالی است که ایشان را در اعتبار، پس از حضرت فاطمه (س) قرار می‌دهد.

هـ) معلّمه

خانه حضرت زینب (س) و مکتب او، مهبط وحی بود. تدریس او هم بر عهده خمسه طیبه بود (استادانی که مقام عصمت و طهارت آنها را قرآن تأیید کرده است)؛ زیرا که او در شرایط بسیار سختی قرار خواهد گرفت و آزموده خواهد شد. با رحلت جانسوز مادر و جدّ بزرگوارش، باید همدم پدر می‌شد و جای خالی مادرش را برای خواهر و برادرانش پُر می‌کرد. پس از مادر، پدر که بزرگترین پشتگرمی بود، از پیش زینب می‌رود. بعد از پدر باید غم برادر بزرگترش را به جان می‌خرید و در آخر هم مهم‌ترین و جانکاه‌ترین مسئولیت حضرت (س)، با سفر برادر و امام خود آغاز می‌شد.

آنجا بود که زینب(س) باید تمام آموخته‌هایی را که خمسه طیبه در وجود او نهادینه کرده بودند، در مکتب عاشورا به نسل‌های بعد تعلیم می‌داد. ایشان در زندگی، علم خود را محصور نمی‌کرد، لذا می‌توان ایشان را یکی از افراد معنی به این حدیث از جدّ بزرگوارشان دانست. ایشان می‌فرمایند: «زندگی افراد عالم و دانشمند بر روی پهنه زمین همانند وجود ستارگان در آسمان‌هاست که انسان به مدد درخشش آنها در خشکی و دریا، در دل شب و تاریکی‌ها راه خود را

بازمی‌یابد...» (العاملی، ۱۴۰۹ق: ۸۵ و المتقی الهندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰: ۱۵۱). وی معارف و معالم خود را نه تنها برای زنان، بلکه برای برخی مردان هم شرح و تبیین می‌کرد. فضای حاکم بر آن ایام به گونه‌ای بود که درس خواندن و فعالیت بیرون از منزل برای زنان و دختران امری غیرمعمول بود و در فضای مردسالار و متعصب آن روز آموزش و آشنایی با خط و نوشتن را جایز نمی‌دانستند. لذا ایشان حصار عقاید و تعصبات پوچ را شکسته و یگانه‌تاز میدان علم و دانایی و دفاع از آن شد. در مقام معلّمی زینب (س) زبان قاصر است، چراکه تمام ابعاد شخصیتی او، چه در عمل و چه در فکر و روح همگی الگویی تام، اولاً برای انسانیت و ثانیاً برای مسلمان بودن است. او اجازه نداد کربلا فقط صحنه‌ای از یک حادثه غم‌انگیز باقی بماند.

او معلّم صبر و بردباری، شجاعت، تقوا و عبادت، ولایت‌مداری، زهد، عفت و پاکدامنی، و صفات برجسته و متعالی دیگری است که نام بردن آنها در این مقال نمی‌گنجد.

د) مفسّره

روایات زیادی ناظر به مقام علمی اهل بیت (ع) در باب قرآن است؛ از جمله روایاتی که خبر می‌دهند از اینکه اهل بیت (ع) عالم به تفسیر و تأویل قرآن هستند. علم آسمان‌ها و زمین را از آن استخراج می‌کنند. اصلاً اهل قرآن هستند و اگر بخواهند درباره فاتحه‌الکتاب تفسیر بنویسند، باید آن را بار هفتاد شتر کنند. همانگونه که در ینابیع‌الموده آمده است که ابن عباس می‌فرماید: «من نزد امیر مؤمنان تفسیر می‌آموختم. حضرت به من فرمود: ای پسر عباس! اگر من آنچه را که در هفت آیه سوره حمد است، از «ب» بسم‌الله تا «وَلَا الضَّالِّينَ»، برای شما بگویم و شما هم گفته‌های من را بنویسید و بعد از اینکه من پایان آن را اعلام کنم، هفتاد شتر جوان را باید بیاورند تا این نوشته‌ها را بار کنید» (القندروزی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۲۰۵). اینکه اهل بیت عالم به قرآن، از آغاز تا به انجام هستند، نشان آن است که آنان راسخون در علم‌اند (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳: ۱۹۷). لذا تربیت در محیط وحیانی و رشد یافتن در محضر پیامبر و معصومین، علیهم‌السلام، که جامع‌ترین افراد در تفسیر و تأویل‌اند، حضرت زینب (س) را مفسّری بی‌بدیل ساخت.

خداوند مقام علمی آنان را اینگونه بیان فرموده است: ﴿...وَمَا يَغْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ...﴾ تفسیر و تأویل آن را جز خدا و راسخان در علم نمی‌دانند... ﴿(آل عمران/۷). راسخون،

اهل بیت پیغمبرند (ر.ک؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۳۱۶، بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۵۹۷ و حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۹).

زینب کبری فرزند و دانش‌آموختهٔ مکتب چنین مفسری بود. لذا با این اوصاف می‌توان دریافت که از قرآن کریم و تفسیر آن، چه میزان علم نزد زینب کبری (س) بود: ﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ...﴾ بلکه این آیات روشنی است که در سینهٔ دانشوران جای دارد... ﴿العنکبوت/۴۹﴾. لذا تأمل در سخنان حضرت زینب (س)، همان مفسری که خاندانش به عدل قرآن تعبیر شده‌اند، پیوند عمیق کلام ایشان با آیات قرآنی را به خوبی می‌نمایاند.

اقتباس مکرر از آیات الهی و تطبیق آن بر اوضاع کوفیان در خطبه‌ها و سخنان، خود قرینه‌ای دیگر در علم ایشان به تفسیر، تأویل و تطبیق آیات قرآنی است و تقریباً در تمام تفاسیر، مصداق آیهٔ فوق، حضرت محمد و اهل بیت ایشان (علیهم‌السلام) به طور خاص، و عالمانی که به ایشان اقتدا می‌کنند، به طور عام، معنا شده‌اند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۴۵۱؛ مغنیه، بی‌تا، ج ۱: ۵۲۷؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۹: ۴۷۱ و عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۱۶۶).

سید نورالدین جزایری هم در خصائص‌الزینبیه، جایگاه علمی و فعالیت‌های آموزشی ایشان در جامعه را اینگونه توصیف می‌کند: «روزگاری که امیرالمؤمنین (ع) در کوفه بود، زینب (س) در خانه‌اش مجلسی داشت که برای زنان قرآن را تفسیر و معنا می‌کرد. روزی «کهیعص» را تفسیر می‌نمود که امیرالمؤمنین (ع) به خانهٔ او آمد و فرمود: ای نور و روشنی دو چشمان! شنیدم برای زنان «کهیعص» را تفسیر می‌نمایی. زینب (س) گفت: آری. امیرالمؤمنین (ع) فرمود: این رمز و نشانه‌ای است برای مصیبت و اندوهی که به شما عترت و فرزندان رسول خدا (ص) روی می‌آورد. پس از آن مصایب و اندوه‌ها را شرح داد» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۱۳: ۷؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۳۱۹ و جزایری، ۱۳۷۹: ۶۰).

لذا هر کس بنا به ظرفیت خود از اسرار و تأویل آیات قرآن آگاه می‌گردد و آنان که علم ایشان از علم بی‌پایان پروردگار سرچشمه می‌گیرد، طبعاً به همهٔ اسرار و تأویل‌های قرآن آشنا هستند. امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: «مَنْ فَهَمَ الْقُرْآنَ فَسَرَ جَمَلَ الْعِلْمِ: هر کس قرآن را بفهمد، همهٔ علوم را جملگی تفسیر می‌کند» (فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۳۶). با توجه به این سخن، تسلط حضرت زینب (س) بر علوم دیگر، علاوه بر علم به فهم و تفسیر قرآن اثبات می‌شود.

در روایتی دیگر آمده است: «حضرت زینب (س) در محضر دو برادر خود، حسنین (ع)، نشستند بود و آنها دربارهٔ گفتار رسول خدا (ص) با هم گفت‌وگو می‌کردند. زینب (س) عرض کرد: شنیدم می‌گفتید رسول خدا (ص) فرمود: بعضی از امور حلال آشکار است و بعضی حرام آشکار، ولی بعضی شبهه‌ناک است که بسیاری از مردم حکم آن را تشخیص نمی‌دهند... آنگاه زینب (س) چنین شرح داد: هر کس از امور مشتبه پرهیز کند، دین و آبرویش را از انحراف حفظ می‌کند و هر کس که مرتکب امور شبهه‌ناک شد، پایش به سوی حرام می‌لغزد؛ مانند چوپانی که گوسفندانش را در نزدیک پرتگاهی عبور می‌دهد، قطعاً احتمال سقوط آن گوسفندان از آن پرتگاه بسیار است. بدان که هر چیزی پرتگاهی دارد. اموری را که خداوند حرام کرده، همان پرتگاه هستند. ارتکاب امور شبهه‌ناک، نزدیک به آن پرتگاه خواهد بود که موجب سقوط خواهند شد. در هر انسانی عضوی وجود دارد که اگر صالح شود، موجب صالح شدن سایر اعضاست و اگر فاسد شود، باعث فاسد شدن سایر اعضا می‌گردد. آن عضو، قلب است. ای برادرانم! (حسن و حسنین) آیا از پیامبر (ص) که به تأدیب الهی ادب شده، شنیده‌اید که فرمود: خداوند مرا تأدیب نمود و نیکو ادب کرد؟!» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶: ۲۱۰ و ج ۶۸: ۳۸۲ و محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۷، ج ۱: ۷۸). حلال آن است که خداوند آن را حلال نموده، قرآن آن را بیان کرده است و پیامبر (ص) آن را توضیح داده است؛ مانند: حلال بودن خرید و فروش، اقامهٔ نماز در وقت خود، ادای زکات، انجام روزهٔ ماه رمضان و حج برای مستطیع، ترک دروغ، نفاق و خیانت و نیز مانند امر به معروف و نهی از منکر. به این ترتیب، عبارتی را که از جدّ بزرگوار خود شنیده بود، به خوبی برای برادران خود تفسیر و تحلیل کرد (ر.ک؛ عزیزی، بی‌تا: ۲؛ میرزایی، ۱۳۸۶: ۲۲۳ و محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹: ۷۶-۷۴). جدول زیر سخنان حضرت (س) (در کوفه و شام) و میزان تطبیق آنها با آیات قرآنی را نشان می‌دهد (برای مطالعهٔ خطبه به صورت کامل، ر.ک؛ مدرسی، محمدتقی. (۱۴۱۶ق.). *الصدیقه زینب شقیقه الحسین(ع)*. تهران: بی‌نا. صفحه ۲۰):

| سخنان حضرت زینب (س) | آیات قرآن کریم |
|---|--|
| «يُنْسِ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا» | ﴿يُنْسِ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا﴾ (الکهف/۵۰). |
| «أَيُّكُمْ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا» | ﴿شَرٌّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا﴾ (مریم/۷۵). |
| «حِزْبِ اللَّهِ» | ﴿حِزْبِ اللَّهِ﴾ (المائده/۵۶). |
| «حِزْبِ الشَّيْطَانِ» | ﴿حِزْبِ الشَّيْطَانِ﴾ (المجادله/۱۹) |

| | |
|---|---|
| ﴿قَدَّمْتُ يَدَاكَ﴾ (الحج/١٠). | «قَدَّمْتُ يَدَاكَ» |
| ﴿وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ﴾ (الفصلت/٤٦). | «مَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ» |
| ﴿لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ (الأعراف/٤٤). | «أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» |
| ﴿رَحِيمٌ وَدُودٌ﴾ (هود/٩٠). | «رَحِيمٌ وَدُودٌ» |
| ﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (آل عمران/١٧٣). | «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» |
| ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (الفاطحه/٢). | «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» |
| ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَصَتْ غَزَلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ﴾ (النحل/٩٢). | «الَّتِي نَقَصَتْ غَزَلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا، تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ» |
| ﴿لَيْسَ مَا قَدَّمْتَ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ﴾ (المائدة/٨٠). | «سَاءَ مَا قَدَّمْتَ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَفِي الْعَذَابِ أَنْتُمْ خَالِدُونَ» |
| ﴿فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (التوبة/٨٢). | «فَأَبْكُوا كَثِيرًا وَ أَضْحَكُوا قَلِيلًا» |
| ﴿بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ﴾ (البقره/١٦). | «(بؤتم) بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ» |
| ﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ﴾ (المسد/١). | «تَبَّتْ (الأيدي)» |
| ﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ﴾ (البقره/٦١). | «وَضُرِبَتْ عَلَيْكُمْ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ» |
| ﴿وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ﴾ (الفصلت/١٦). | «وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ، وَ أَنْتُمْ لَا تُنصَرُونَ» |
| ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبَالِغٌ صَادٍ﴾ (الفجر/١٤). | «وَإِنَّ رَبَّكُمْ لَبَالِغٌ صَادٍ» |
| ﴿صَدَقَ اللَّهُ﴾ (آل عمران/٩٥). | «صَدَقَ اللَّهُ» |
| ﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ﴾ | |

| |
|---|
| (الرّوم/۱۰). |
| ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ خَيْرًا لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ لِيُزِدُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ (آل عمران/۱۷۸). |
| ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ (آل عمران/۱۶۹). |

در مقام تفسیری حضرت زینب (س) شاهد ما خطبه‌های ایشان است که آکنده از آیات الهی می‌باشد و به خوبی بر شرایط و افراد تطبیق داده شده‌اند. این همان فرقانی است که خداوند آن را به بندگان خود وعده داده، همان بصیرتی که به کُنه حوادث راه می‌یابد. تفقه در این آیات برداشت صحیح از کلام الهی را به دنبال خواهد داشت. پیوندی که میان کلام حضرت زینب (س) و کلام الهی در جدول فوق نشان داده شد، شاهد مثالی برای سخن امام صادق (ع) است که فرمودند: «کسی که قرآن را در جوانی قرائت کند، قرآن با گوشت و خون او آمیخته می‌شود» (صدوق، ۱۳۶۴: ۱۰۰). بدون شک در قرآن نیروی معنوی عظیمی هست که در نفس انسان تأثیر شگرف بر جای می‌گذارد و این نیرو باعث تیزی احساس و صیقل روح انسان می‌شود و ادراک، تفکر و بصیرت او را جلا می‌بخشد. نمونه بارز این تأثیرپذیری را در واکاوی زندگی سلاله مفسران قرآن حضرت زینب (س) در مقام مفسر آیات الهی می‌توان دریافت.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت چنین بدست می‌آید که رسالت دینی، علمی و عملی حضرت زینب(س) در نهضت برادر و امام خود که از لابه‌لای نگاره‌های ارزشمند تاریخ در وصف حال او بوده، اوج تعالی روح انسانی را می‌آموزد و زیربنایی از علم و معرفت دارد. او در مقام حامل علم پیامبر و امانت‌دار شریعت برای عموم جهانیان و مصداق بارز وعده‌های خداوند شده بود که (اگر نسبت ایشان با خاندان وحی مدّ نظر نباشد)، تقوا، خدامحوری و تفقه در دین موجب افاضات الهی، از جمله «علم لدنی» به ایشان شد. به علاوه، سلوک حضرت در خودسازی، ایده و آموزه‌های بدیع برای حضور زنان مسلمان در مجامع علمی و سیاسی و عرصه‌های دیگر است؛ سیره علمی ایشان که در قالب پنج ویژگی علمی در این مقال مورد تحلیل و بررسی واقع شد، همچنین پیوند کلامی عمیقی که سخنان وی با آیات قرآن داشت، همه و همه زیربنای القاب بسیار معروف و متعالی ایشان در صبر،

مسئولیت‌پذیری، افشاگری و ظلم‌ستیزی، ایثار، تسلیم و رضا قرار گرفت. زینب کبری (س) در لباس اسارت، مبلغ دانای دین و آیین جدش رسول خدا (ص) بود. این مقاله در واقع، روایت‌گر جهاد علمی یکی از أسوه‌های عالمان و مبارزان الهی است که با تبلیغ عقیده و جهاد در راه آن، عزت‌مداری و عالمانه زیستن را حتی برای مادی‌گرایان و بی‌خردان، فاسدان وقت همچون مزدوران اموی تبیین می‌کند. اما متأسفانه جامعه زینب (س) بیماری بود که حتی لیاقت علاج را از خود دریغ کرده بود.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

- آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۶). *غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دفتر تبلیغ اسلامی.
- آملی، شمس‌الدین محمد بن محمود. (۱۳۸۱). *نفائس الفنون فی عرائس العیون*. تهران: اسلامیّه.
- ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد. (۱۳۸۵). *کامل الزیارات*. ترجمه امیر وکیلان. بی‌جا: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن اثیر جزری، علی بن محمد. (بی‌تا). *أسد الغابة فی معرفة الصحابه*. تحقیق خلیل مأمون شیخا. بیروت: دارالمعرفه.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق.). *من لا یحضره الفقیه*. تحقیق علی‌اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم.
- ابن سعد، محمد. (۱۳۷۷ق.). *الطبقات الکبری*. بیروت: دار الصناد.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۹۹). *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*. قم: مطبعة الخیام.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین. (۱۳۸۰). *مقاتل الطالبین*. ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- اصفهانی، محمدحسین. (بی‌تا). *الأنوار القدسیه*. تصحیح علی نهانودی. بی‌جا: مؤسسه المعارف الإسلامیّه.
- امین، محسن. (بی‌تا). *لواعج الأشجان فی مقتل الحسین، علیه السلام*. تحقیق حسن امین. بیروت: دار الأمیر.

- الحائرى، محمدمهدى. (١٣٨٥). *شجرة الطوبى*. الطبعة الخامسة. نجف: المكتبة الحيدريّة.
- القندروزي الحنفي، سليمان بن ابراهيم. *ينابيع المودة لذوى القربى*. تحقيق سيد على جمال اشرف الحسينى. الطبعة الثانية. قم: دار الاسوة للطباعة و النشر.
- المتقى الهندى، على بن حسام الدين. (١٤٠٩ق.). *كنز العمال فى سنن الأقوال و الأفعال*. بيروت: مؤسسه الرساله.
- العاملى، زين الدين بن على (الشهيد الثانى). (١٤٠٩ق.). *منية المرید فى أدب المفيد و المستفيد*. تحقيق رضا مختارى. الطبعة الأولى. بی جا.
- الموسوى الخوئى، ابوالقاسم (١٤١٣ق.). *معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة*. الطبعة الخامسة. بی جا.
- بحرانى اصفهانى، عبدالله. (١٤٠٩ق.). *عواالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال*. قم: مدرسة الإمام المهدي.
- بحرانى، سيد هاشم. (١٤١٦ق.). *البرهان فى تفسير القرآن*. تهران: بنياد بعثت.
- بشيرى، اعظم. (١٣٨٥). *سيمای زينب در آيينه تاريخ*. بی جا: نشر هاجر.
- بهشتى، احمد. (١٣٦٨). *زنان نامدار در قرآن و حديث*. تهران: سازمان تبليغات اسلامى.
- جزايرى، نعمت الله. (١٤٢٧ق.). *رياض الأبرار فى مناقب ائمة الأطهار*. بيروت: مؤسسه التاريخ العربى.
- حاج حسن، حسين. (بى تا). *الإمام السّجاد؛ جهاد و أمجاد*. بيروت: دار المرتضى.
- حسينى شاه عبدالعظيمى، حسين بن أحمد. (١٣٦٣). *تفسير اثنى عشرى*. تهران: ميقات.
- حسنى، هاشم معروف. (بى تا). *من وحي الثورة الحسينية*. بيروت: دارالقلم.
- حسينى موسى، محمد بن أبى طالب. (١٤١٨ق.). *تسليّة المُجالس و زينّة المُجالس*. تحقيق كريم فارس حسون. قم: مؤسسه المعارف الإسلاميه.

- حسینی علوی، محمد بن علی. (بی تا). *غرر البهائم الضوی و دزر الجمال البدیع البهی*. مصر: مؤلف.
- حسون، محمد. (۱۳۷۹). *أعلام النساء المؤمنات*. تهران: أسوه.
- حکیم، محمدباقر. (بی تا). *الوحدة الإسلامیة من منظور الثقلمین*. قم: مرکز الطباعة و النشر لمجمع العالمی لأهل البیت (ع).
- حرّ العالمی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۹ق.). *وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة*. الطبعة الأولى. بی جا: مؤسسه آل البیت (ع) لإحیاء التراث.
- رحمانی همدانی، احمد. (۱۳۷۸). *فاطمة الزهراء، بهجة قلب المصطفى (ص)*. تهران: منیر.
- رسولی، هاشم. (بی تا). *زینب، عقيلة بنی هاشم*. تهران: مشعر.
- رضوی زاده، سید نورالدین. (۱۳۸۴). «بررسی تأثیر رسانه‌ها بر تمایل به تغییر سبک زندگی روستایی». *علوم اجتماعی*. ش ۳۱.
- رهبری، حسن. (۱۳۹۰). «علم پیامبر و امام در تفسیر «مین وحی القرآن»». *نشریه پژوهش‌های قرآنی*. سال هفدهم. شماره ۶۵-۶۶.
- سلمان پور، محمدجواد. (۱۳۸۰). *علی، قرآن ناطق*. تهران: نشر عابد.
- سیوطی، عبدالرحمن. (۱۳۷۱). *تاریخ الخلفاء*. تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید. مصر: مطبعة السادة.
- شریف قرشی، باقر. (بی تا). *السيدة زینب، رائدة الجهاد فی الإسلام*. بی نا.
- شهرستانی، الح. (۱۴۱۶ق.). *تاریخ النیاحة علی الإمام الشہید الحسین بن علی (ع)*. تحقیق نبیل رضا علوان. قم: دار الهجرة.
- شیخ مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق.). *أمالی*. قم: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.
- صادقی اردستانی، احمد. (۱۳۷۳). *زنان دانشمند و راوی شیعه*. قم: بی نا.
- صدوق، ابن بابویه قمی. (۱۴۲۵ق.). *علل الشرایع*. مقدمه محمدصادق بحر العلوم. قم: دارالکتاب الإسلامی.

صدوق، ابن بابویه محمد بن علی. (۱۳۶۴). *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*. مقدّمه محمّد مهدی خراسان. قم: منشورات رضی.

صفری، حلیمه. (بی تا). *الگوهای رفتاری حضرت فاطمه(س)*. نرم افزار مکتبه الشّامله.

طبرسی، فضل بن حسن. (بی تا). *أعلام الوری بأعلام الهدی*. بی جا: مؤسسه آل البيت(ع) لإحياء التراث.

_____ . (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

_____ . *جوامع الجامع*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران و حوزه علمیه قم.

طوسی، محمّد بن الحسن. (۱۳۷۵). *الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار*. ج ۲. نجف: بی نا.

_____ . (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

_____ . (۱۴۱۴ق.). *أمالی*. قم: انتشارات دارالثقافه.

عبّاسی غریب، محمّد علی. (۱۳۷۲). *زینب، علیها السلام، و شخصیت تاریخی او*. چاپ دوم. تهران: خوشه.

عسقلانی، ابن حجر. (بی تا). *الإصابة فی معرفة الصحابه*. بی جا: الوراق.

عروسی الحویزی، ابن جمعه. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر نور الثقلین*. قم: اسماعیلیان.

عزیزی، عبّاس. (بی تا). *۲۰۰ داستان از فضائل، مصایب و کرامات حضرت زینب(س)*. المکتبه الشّامله.

غروی نائینی، نهله. (۱۳۷۵). *محدثات شیعه*. چاپ اول. تهران: دانشگاه تهران.

فیض کاشانی، مولی محسن. (۱۴۱۶ق.). *تفسیر الصافی*. ج ۱. تهران: الصدر.

قزوینی، محمّد کاظم. (۱۴۰۹ق.). *زینب الكبرى من المهد إلى اللحد*. قم: بی نا.

قرشی، باقر شریف. (بی تا). *حياة الإمام زین العابدین، علیه السلام، دراسة و تحلیل*. بیروت: دارالأضواء.

قطیفی، فرج آل عمران. (۱۴۱۲ق.). *وفات السیّدة زینب(س) من مجموعة وفيات الأئمّه*. الطبعة

الأولى. بیروت: دارالبلاغه للطباعة و النشر و التوضیح.

قمی، عباس. (۱۴۱۴ق.). *سفینه البحار*. چاپ اول. قم: أسوه.

_____ . (بی تا). *النفس المهموم*. قم: المكتبة الحیدریه.

مامقانی، عبدالله. (بی تا). *تنقیح المقال*. تحقیق محمدرضا مامقانی. مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.

مجلسی، محمداقبر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار؛ الجامعة لذکر أخبار أئمة الأطهار*. ج ۱۶، ۲۳ و ۲۹. بیروت: مؤسسه الوفاء.

محسن زاده، محمدعلی. (۱۳۸۸). *سرّ نینوا؛ زینب کبری (س)*. تهران: مشعر.

محدثی، جواد. (بی تا). *آشنایی با أسوهها؛ حبیب بن مظاهر*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

محمدی اشتهاردی، محمد. (۱۳۷۹). *حضرت زینب؛ فروغ تابان کوثر*. چاپ سوم. تهران: برهان.

محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۶۷). *میزان الحکمه*. طبعه الثانیه. مکتب الاعلام الإسلامی.

مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۸۴). *إثبات الوصیة للإمام علی بن أبی طالب*. قم: انصاریان.

مدرسی، محمدتقی. (۱۴۱۹ق.). *مِن هُدَى الْقُرْآن*. تهران: دار محبّی الحسین.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۶۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

مصطفی، ابراهیم، أحمد الزیّات، حامد عبدالقادر و محمد النجار. (بی تا). *المعجم الوسیط*. ج ۲. نشر دارالدعوه.

مغنیه، محمد جواد. (بی تا). *تفسیر المبین*. قم: بنیاد بعثت.

مقرّم، عبدالرزاق. (بی تا). *مقتل الحسین، علیه السلام*. بیروت: مؤسسه الخرسان للمطبوعات.

میانجی، ابراهیم. (۱۳۸۴). *اشک های سوزان؛ العیون العبری فی مقتل سید الشهداء*. شرحی

جامع بر مقتل سید الشهداء (ع). چاپ اول. تهران: بی نا.

موسوی کعبی، علی. (بی تا). *سیده النساء، فاطمة الزهراء*. بی جا: مرکز الرساله. نرم افزار مکتبه الشامله.

موسوی همدانی، محمّداقبر. (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه علمیّه قم.

میبدی، رشیدالدین. (۱۳۷۱). *کشف الأسرار و عدة الأبرار*. تهران: امیرکبیر.

میرزایی، علی اکبر. (۱۳۶۸). *نهج الفصاحه؛ کلمات قصار رسول اعظم (ص)*. چاپ ششم. قم: چاف.

نشریه الکفیل. (۱۴۳۴ق). أسبوعیّة ثقافیّه. السنّة الثامنه. نجف: دار الضیاء للطباعة.

نوری، حسین. (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).